

چکیده

برخی از محققان و جریان‌های سیاسی، سیاست‌ها و کنش‌هایی نظیر ارتقای توانمندی‌های نظامی (بالأخص توان موشکی)، پیگیری برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز و حمایت جمهوری اسلامی از محور مقاومت را برخلاف «منافع ملی» معرفی می‌نمایند. این افراد تعریفی خاص از مفهوم «منافع ملی» دارند و به این نکته توجه نمی‌نمایند که مطابق تعریف سازه‌انگاران، «منافع ملی» جمهوری اسلامی ایران از هویت آن نشأت می‌گیرد. بنابراین این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اصلی که «هویت جمعی و اجتماعی شکل گرفته در دوران جمهوری اسلامی ایران چگونه بر منافع ملی کشور در سه حوزه ارتقای توان نظامی (بالأخص موشکی)، پیگیری برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز و حمایت از محور مقاومت تأثیر گذاشته است؟»، این فرضیه را ارائه می‌دهد که «ساختارهای هنجاری یا فکری جمهوری اسلامی ایران که از سه عنصر

(الف) هنجارهای تنظیمی و تکوینی نشأت گرفته از فرهنگ شیعی اثنی عشری

(ب) ایستارهای موجود در فرهنگ سیاسی ایران

(ج) تأثیرات ذهنی نشأت گرفته از ژئوپلیتیک ایران تشکیل شده است به «هویت جمعی» و «هویت اجتماعی» جمهوری اسلامی ایران شکل می‌دهند و این «هویت جمعی» و «هویت اجتماعی» شکل خاصی از منافع ملی هشت رکنی را رقم زده‌اند که جمهوری اسلامی ایران جهت حصول این منافع ملی هشت رکنی نوع خاصی از سیاست‌ها و کنش‌ها نظیر ارتقای توان نظامی (بالأخص موشکی)، پیگیری برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز و حمایت از محور مقاومت را دنبال می‌نماید.

در این پژوهش نظریه سازه‌انگاری و مفاهیم «هویت جمعی» و «هویت اجتماعی» به عنوان چارچوب نظری انتخاب گردیده است. داده‌های مربوط به جمهوری اسلامی ایران نیز از منابع کتابخانه‌ای و وب محور (اینترنتی) جمع‌آوری شده است. از نظر تجزیه و تحلیل این پژوهش در زمره تحقیقات توصیفی - تحلیلی قرار دارد.

کلمات کلیدی

جمهوری اسلامی ایران، هویت جمعی، هویت اجتماعی، منافع ملی، برنامه موشکی، برنامه هسته‌ای، محور مقاومت

۱. استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول)

nrir2020@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

m.shariati17@gmail.com

مقدمه

یکی از انتقاداتی که با انگیزه‌های مختلف از سوی برخی از منتقدان داخلی و خارجی علیه جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌گردد، عدم توجه به منافع ملی در پیگیری سیاست‌هایی نظیر ارتقای توان نظامی (بالأخص موشکی)، پیگیری برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز و حمایت جمهوری اسلامی از محور مقاومت می‌باشد. این دسته از محققان از کلیت مستتر در مفهوم «منافع ملی» استفاده می‌نمایند و جمهوری اسلامی را به نادیده گرفتن آن متهم می‌نمایند. در این پژوهش چنین نگاهی رد شده و با به‌کارگیری نظریه «سازه‌انگاری» این‌گونه بحث می‌شود که منافع ملی جمهوری اسلامی را می‌باید بر حسب هویت آن تعریف نمود و اگر برحسب چنین رویکردی به موضوع «منافع ملی» جمهوری اسلامی نگریسته شود، جمهوری اسلامی بر حسب هویتی که دارد، دارای «منافع ملی» مختص به خود می‌باشد و این «منافع ملی» نوع خاصی از کنش‌ها را طلب می‌نماید. این نکته‌ای است که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نیز به آن اشاره فرمودند: «یکی از کارهای بزرگ انقلاب اسلامی همین است که یک هویتی برای ملت تعریف کرد و بر آن پافشاری کرد؛ منافع ملی را براساس آن استخراج کرد و استنباط کرد و ترسیم کرد و تصدیق کرد و دنبال کرد...» (سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶، خرداد ۲۲).

نظیر تمامی مفاهیم دیگر، تعریف هر مفهوم ارتباط تنگاتنگی با رویکرد معرفت‌شناسی (و حتی هستی‌شناسی و روش‌شناسی) محققان دارد و مفهوم «منافع ملی» نیز از این حالت مستثنی نیست. مفهوم «منافع ملی» را اولین بار «چارلز بیرد» وارد متون تخصصی روابط بین‌الملل کرد. وی در کتاب «اندیشه منافع ملی: مطالعه‌ای تحلیلی در سیاست خارجی آمریکا»، منافع ملی را تبلور و جلوه خارجی منافع عمومی در داخل می‌داند (سیف‌زاده، ۱۳۸۴، ص. ۵۶).

لازم به ذکر است که سه رویکرد مختلف «عینی‌گرایی»^۱، «ذهنی‌گرایی»^۲ و «بین‌ذهنی‌گرایی»^۳ در تعریف «منافع ملی» وجود دارد. «عینی‌گرایان»، «منافع ملی را مفهومی عینی تلقی می‌کنند که بر واقعیت عینی دلالت دارد. بنابراین، از منظر عینی گرایان «منافع ملی» متضمن ارزش‌ها و معیارهای عینی و دائمی است که بر پایه آن می‌توان

1. Objectivism
2. Subjectivism
3. Intersubjectivism

سیاست خارجی را ارزیابی و تحلیل نمود. رئالیست‌ها و نئورئالیست‌ها برجسته‌ترین عینی‌گرایان هستند که به ترتیب، «منافع ملی» را بر حسب قدرت ملی و امنیت ملی تعریف می‌کنند» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵، ص. ۲۰۴).

در تعاریف «مورگنتا» و «روزنا» از مفهوم «منافع ملی» رویکرد «عینی‌گرایی» مشهود است. «مورگنتا» منافع ملی را «معیاری همیشگی برای داوری در مورد رفتار سیاسی و هدایت آن» می‌داند (مورگنتا، ۱۳۸۴، ص. ۱۸). «روزنا» نیز معتقد است که «مفهوم منافع ملی هم در تحلیل سیاسی و هم در رفتار سیاسی به‌کار برده می‌شود. به‌عنوان یک ابزار تحلیل، منافع ملی وسیله‌ای است که به شرح، توصیف و یا ارزیابی منشأ و یا بررسی شایستگی سیاست خارجی یک کشور می‌پردازد. به‌عنوان یک ابزار رفتار سیاسی منافع ملی در توجیه، تقبیح یا پیشنهاد سیاست‌ها به‌کار برده می‌شود» (روزنا، ۱۳۸۴، ص. ۲۴۷).

«ذهنی‌گرایان»، «منافع ملی را تابعی از اولویت‌ها و ارجحیت‌های ذهنی تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی معرفی می‌کنند. بنابراین، از منظر ذهنی‌گرایان «منافع ملی» مجموعه‌ای متکثر از اولویت‌ها [یا ارجحیت‌ها] و ارزش‌های ذهنی تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی می‌باشد. بدین ترتیب، منافع ملی به اولویت‌ها [یا ارجحیت‌ها]ی نخبگان سیاسی و حکومتی خاص و خواسته‌های ملت بستگی دارد و متغیر و متحول است. نظریه تصمیم‌گیری، نمونه بارز ذهنی‌گرایی است» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵، صص. ۲۰۴).

در تعریف «فرانکل» از مفهوم «منافع ملی» رگه‌هایی از رویکرد «ذهنی‌گرایی» مشهود است. فرانکل، «منافع ملی» را مفهوم اساسی سیاست خارجی می‌داند و در تعریف آن می‌آورد «[منافع ملی] عبارت است از هدف‌های عام و همیشگی که در راه تحقق آن‌ها ملت فعالیت می‌کند... منافع ملی را می‌توان آرزوهای دولت توصیف کرد» (فرانکل، ۱۳۸۶، ص. ۱۱۸). فرانکل، «منافع ملی» را به سه سطح تقسیم می‌کند:

الف) سطح آمالی که به آرمان‌های ملی هر کشور مربوط است.

ب) سطح عملی یا کاربردی که به مجموع منافع و سیاست‌های جاری کشور مربوط می‌شود.

ج) سطح جدلی یا توجیهی، یعنی آن چه که به اظهار نظر، بحث‌ها و توجیهات مقامات رسمی کشور بر می‌گردد.

«بینا ذهنی‌گرایان»، «منافع ملی را یک برساخته اجتماعی^۴ می‌دانند. بنابراین، از منظر بیناذهنی‌گرایان «منافع ملی» برحسب ارزش‌هایی تعریف می‌شود که بر پایه هویت ملی و به صورت مشترک در ذهنیت جمعی تصمیم‌گیرندگان و جامعه تکوین یافته [شکل می‌گیرد] و تعقیب و تأمین آن در سیاست خارجی ضروری است». سازه‌انگاران اجتماعی را می‌توان نمونه بارز بینا ذهنی‌گرایان دانست (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵، صص. ۲۰۵-۲۰۴).

4. Social Construct

از این رو، این پژوهش با مبنا قرار دادن نظریه سازه‌نگاری، در پی پاسخ به این پرسش اصلی می‌باشد که «هویت جمعی و اجتماعی شکل گرفته در دوران جمهوری اسلامی ایران چگونه بر منافع ملی کشور در سه حوزه ارتقای توان نظامی (بالأخص موشکی)، پیگیری برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز و حمایت از محور مقاومت تأثیر گذاشته است؟». در این راستا، این فرضیه را ارائه می‌دهد که ساختارهای هنجاری یا فکری جمهوری اسلامی ایران که از سه عنصر الف) هنجارهای تنظیمی و تکوینی نشأت گرفته از فرهنگ شیعی اثنی عشری، ب) ایستارهای موجود در فرهنگ سیاسی ایران، و ج) تأثیرات ذهنی نشأت گرفته از ژئوپلیتیک ایران تشکیل شده است به «هویت جمعی» و «هویت اجتماعی» جمهوری اسلامی ایران شکل می‌دهند و این «هویت جمعی» و «هویت اجتماعی» شکل خاصی از منافع ملی هشت رکنی را رقم زده‌اند که جمهوری اسلامی ایران جهت حصول این منافع ملی هشت رکنی نوع خاصی از سیاست‌ها و کنش‌ها نظیر ارتقای توان نظامی (بالأخص موشکی)، پیگیری برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز و حمایت از محور مقاومت را دنبال می‌نماید.

بنابراین از منظر سازه‌انگاران «منافع ملی چیزی است که:

الف) می‌تواند به‌عنوان بخشی از هویت ملی درک شود و از این رو

ب) قابلیت راه‌اندازی «بسیج توده‌ای ملی» به‌منظور دفاع با افزایش هویت ملی را دارا می‌باشد» (Bloom, 1990: 82).

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر «هویت جمعی» و «هویت اجتماعی» شکل گرفته در دوران جمهوری اسلامی ایران بر منافع ملی کشور می‌باشد. باور این پژوهش بر این گزاره می‌باشد که با استفاده از مفاهیم «هویت جمعی» و «هویت اجتماعی» است که می‌توان به سوالاتی نظیر این که «چرا جمهوری اسلامی علی‌رغم قطعنامه‌های ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد و قطعنامه‌های ایالات متحده و اتحادیه اروپا حاضر به دست کشیدن از برنامه هسته‌ای خود نگردید؟»، «چرا علی‌رغم فشارهای غرب، جمهوری اسلامی حاضر به دست کشیدن از برنامه موشکی و محور مقاومت نمی‌باشد؟» و ... پاسخ داد.

در این پژوهش پس از ذکر جنبه‌های مختلف نظریه سازه‌نگاری و بررسی نحله‌های مختلف آن، به بررسی تأثیر هویت بر منافع پرداخته می‌شود و در خاتمه به «منافع ملی» جمهوری اسلامی از منظر این نظریه مورد تدقیق قرار می‌گیرد.

چارچوب نظری: سازه‌انگاری

اگرچه برخی از محققان «سازه‌انگاری» را در رویکردی مبتنی بر فلسفه علم «یک شیوه اندیشیدن در مورد دانش و فعالیت دانستن»^۱ می‌دانند و آن‌را به محققانی نظیر «ویکو»، «برکلی» و «پیاژه»^۲ نسبت می‌دهند (Von Glasersfeld, 2007:1).

لکن مراد از سازه‌انگاری در این مقاله «سازه‌انگاری به مثابه یک نظریه روابط بین‌الملل» می‌باشد. نظریه‌ای که در ابعاد هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی در «میانه»^۳ رویکردهای «خردگرا(عمدتاً نئو) رئالیسم و (نئو) لیبرالیسم» و رویکردهای «تفسیری(عمدتاً پاسا ساخت‌گرایی و انتقادی)» قرار دارد و «موقعیت جدیدی برای تحقیقات نظری و تجربی ایجاد می‌نماید» (Alder, 1997:319).

«چکل» سازه‌انگاری را یک «نظریه» نمی‌داند بلکه آن‌را «رویکردی»^۴ برای پاسخ به پرسش‌های اجتماعی برپایه دو فرض می‌داند: اول) محیطی که کارگزاران/دولت‌ها در آن کنش‌های خود را انجام می‌دهند «اجتماعی» و هم چنین «مادی» می‌باشد.

دوم) این محیط می‌تواند کارگزاران/دولت‌ها را در جهت درک منافعشان آماده نماید(می‌تواند آنان را (بر) ساخته نماید) (Checkel, 1998:335-336).

اگر بخواهیم مروری کوتاه بر ابعاد «فرانظری» سازه‌انگاری داشته باشیم باید گفت که سازه‌انگاری در بعد هستی‌شناختی یک نظریه درباره «ساخت اجتماعی واقعیت»^۵ می‌باشد و بین جهان طبیعی و جهان اجتماعی تمایز قائل است (Guzzini, 2000:160).

«پولیت» معتقد است که «جوهره و اساس سازه‌انگاری، حقایق اجتماعی می‌باشد» (Pouliot, 2004:319).

«ریچارد پرایس» و «کریستین رویس-اسمیت» در مقاله خود ابعاد هستی‌شناسی سازه‌انگاری را در سه دسته تقسیم‌بندی می‌نمایند:

۱) تأکید بر اهمیت ساختارهای هنجاری یا فکری^۶ در کنار ساختارهای مادی. «نظام معنایی»^۷ مشخص می‌سازد که کنش‌گران چگونه محیط مادی را تفسیر می‌نمایند.

1. activity of knowing
2. Piaget
3. Middle Ground
4. approach
5. construction of social reality
6. normative or ideational structures
7. systems of meaning

۲) تمرکز بر هویت کنش‌گران. هویت کنش‌گران منافع و کنش‌های آنان را موجب می‌شود.

۳) تأکید بر ساخت متقابل ساختار و کارگزار و عدم تقلیل هریک از واحدهای «ساختار-کارگزار» به دیگری. ساختارها مستقل از «اقدامات آگاهانه کارگزاران اجتماعی»^۸ وجود ندارند (Price & Reus-Smit, 1998:266-267).

سازه‌انگاری هم چنین برخلاف دیدگاه‌های «پسامدرن» وجود یک «جهان محسوس»^۹ خارج از اندیشه انسان را رد نمی‌نماید (Guzzini, 2000:159).

در بعد روش‌شناسی سازه‌انگاری به‌منظورکاوش ساختارهای فکری و درک بهتر پویایی‌های قدرت در نظام بین‌الملل از طیف وسیعی از روش‌ها نظیر «تحلیل گفتمان»، «مطالعات موردی مقایسه تاریخی»^{۱۰}، «پژوهش قوم‌نگارانه»^{۱۱} و «تحلیل محتوای کمی و کیفی» بهره می‌جوید (Bradley Philips, 2007:63).

اما در بعد «معرفت‌شناسی» اختلافات عمیقی بین سازه‌انگاران وجود دارد. سازه‌انگاری دارای دو نوع «مدرن» و «پست‌مدرن» می‌باشد (Price & Reus-Smit, 1998:267) که با کمی اغماض می‌توان آنان را در دو گروه «انتقادی» و «متعارف» دسته‌بندی نمود که اولی در اروپا و دومی در ایالات متحده رایج و مسلط می‌باشند. یکی از بزرگ‌ترین مزیت‌های سازه‌انگاری تأکید این نظریه بر قوام متقابل «ساختار-کارگزار» می‌باشد. در حالی که هریک از نظریه‌های روابط بین‌الملل در تحلیل خود دچار «تقلیل‌گرایی»^{۱۲} شده و تنها بر یکی از این عوامل تأکید می‌ورزند، سازه‌انگاری با تأکید بر رابطه متقابل این دو دیدگاهی مبتنی بر «ساختاربابی‌گرایی» ارائه می‌دهد.

تفاوت سازه‌انگاری با جریان اصلی روابط بین‌الملل

از آن‌جا که بسیاری از محققان نظیر (Hopf, 1998:171) (Wendt, 1992:391) (Zehfuss, 2002:9) سازه‌انگاری را برحسب تفاوت با «جریان اصلی»^{۱۳} روابط بین‌الملل، نئوها (نئورئالیسم و نئولیبرالیسم) که در زمره نظریه‌های خردگرا قرار می‌گیرند، مورد توجه قرار می‌دهند، ذکر تفاوت‌های اصلی بین «سازه‌انگاران» و «خردگرایان»^{۱۴} مفید می‌نماید.

8. knowledgeable practices of social agents
9. phenomenal world
10. comparative historical case studies
11. ethnographic research
12. Reductionism
13. Main Stream
14. Rationalist

«رویس-اسمیت» سه تفاوت دیگر بین این دو دیدگاه را این‌گونه دسته‌بندی می‌نماید:

۱) در حالی‌که خردگرایان مفروض می‌گیرند که کنش‌گران، «خودمحمور ذره‌ای»^{۱۵} هستند، سازه‌انگاران آن‌ها را به عنوان [موجودیت‌هایی] عمیقاً اجتماعی^{۱۶} تلقی می‌نمایند.

۲) برخلاف [خردگرایان] که برای منافع کنش‌گران «تعینی برون‌زا»^{۱۷} در نظر می‌گیرند، [و معتقدند که منافع کنش‌گران] پیش از [ورود کنش‌گران به] تعاملات اجتماعی معین می‌شود، سازه‌انگاران منافع را نسبت به تعاملات اجتماعی، «درون‌زا»^{۱۸} و به عنوان نتیجه کسب هویت^{۱۹} تلقی می‌نمایند و [بر این باورند که منافع] از طریق فرایند ارتباطات، تأمل در تجربه‌ها و اجرای نقش^{۲۰} فرا گرفته شده است. ۳) در حالی‌که خردگرایان جامعه را به‌عنوان «قلم رویی استراتژیک»^{۲۱} می‌نگرند، [یعنی] مکانی که کنش‌گران در آن به شکلی عقلانی منافع خود را تعقیب می‌نمایند، سازه‌انگاران جامعه را «قلم رویی تکوینی»^{۲۲} می‌دانند، [و معتقدند که جامعه] عرصه‌ای است که کنش‌گران را به‌عنوان «کارگزاران اجتماعی و سیاسی شناخت پذیر»^{۲۳} ایجاد می‌نماید (Reus-Smit, 2005:199).

«ونت» در توضیح یکی از تفاوت‌ها به اختلاف دیدگاه «نئورئالیسم» به‌عنوان یکی از نظریه‌های خردگرا و «سازه‌انگاری» درباره «ساختار» می‌پردازد: در حالی‌که نئورئالیست‌ها، «ساختار» را «توزیع توانمندی‌های مادی» می‌دانند، سازه‌انگاران معتقدند که ساختارها از «روابط اجتماعی» تشکیل شده‌اند. از منظر سازه‌انگاران، «ساختارهای اجتماعی» دارای سه عنصر اصلی می‌باشند: شناخت مشترک، منابع مادی و رویه‌ها^{۲۴} (Wendt, 1995:73-74).

هویت از منظر سازه‌انگاران

«هویت» یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم در نزد سازه‌انگاران می‌باشد. در حالی‌که

خردگرایان از جمله «نئورئالیست»‌ها و «نئولیبرالیست»‌ها هویت و منافع دولت‌ها

15. atomistic egoists
16. deeply social
17. actors' interests as exogenously determined
18. endogenous
19. as a consequence of identity acquisition
20. processes of communication, reflection on experience and role enactment
21. rationalists view society as a strategic realm
22. constructivists see it as a constitutive realm
23. knowledgeable social and political agents
24. shared knowledge, material resources, and practices

به‌عنوان کنش‌گران اصلی را ثابت درنظر می‌گیرند، «سازه‌انگاران استدلال می‌کنند که هویت و منافع کنش‌گران در سیاست بین‌الملل ثابت و پایدار نیست. ماهیت آن‌ها از پیش تعیین شده نیست. در این بین موضوع مهم آن‌است که چگونه هویت و منافع کنش‌گران (بر)ساخته می‌شود و چگونه از طریق تعاملات بین‌المللی ساخته و تولید می‌شوند» (Weber, 2005:60).

اما «هویت» چیست؟ «هاف» توصیفی مفصل ارائه می‌دهد:

هویت‌ها در سیاست بین‌الملل و جامعه داخلی به‌منظور حصول اطمینان از سطح حداقلی پیش‌بینی پذیری و نظم لازم می‌باشند. انتظارات پایدار بین دولت‌ها نیازمند «هویت‌های بین‌ذهنی (بین‌الذهانی)»^{۲۵} می‌باشد که به‌منظور حصول اطمینان از الگوهای قابل پیش‌بینی رفتار به‌اندازه کافی پایدار هستند. جهان بدون هویت‌ها جهان هرج‌ومرج، جهان عدم اطمینان غیرقابل علاج و فراگیر و جهانی بسیار خطرناک‌تر از آنا‌رشی می‌باشد. هویت سه کارکرد لازم را در جامعه اجرا می‌نمایند:

هویت‌ها به ۱) شما و به ۲) دیگران می‌گویند که شما چه کسی هستید و ۳) دیگران چه کسانی هستند. هویت‌ها در گفت‌و این نکته که شما چه کسی هستید به‌شدت بر مجموعه خاصی از منافع و اولویت‌ها نسبت به انتخاب کنش در حوزه‌های خاص و نسبت به کنش‌گران خاص اشاره دارند (Hopf, 1998:174-175). دولت‌ها با توجه به «هویت» سایر دولت‌ها، می‌توانند به‌طور نسبی بر «معمای زندانی»^{۲۶} غلبه نمایند (Nugroho, 2008:93).

«سازه‌انگاران» دو نوع «هویت جمعی»^{۲۷} و «هویت اجتماعی»^{۲۸} برای دولت‌ها قائل هستند:

«هویت جمعی» به «کیفیت‌های درونی و خود سازمان‌ده»^{۲۹} که شخصیت کنش‌گر را تشکیل می‌دهند اشاره دارد. هویت جمعی برای انسان‌ها به‌معنای «جسم و تجربه آگاهی»^{۳۰} و برای سازمان‌ها به‌معنای افراد تشکیل دهنده آن‌ها، منابع فیزیکی و باورها و نهادهای مشترک که به‌موجب آن افراد به‌عنوان یک «ما» فعالیت می‌کنند، می‌باشد.

هویت جمعی دولت‌ها چهار منفعت یا انگیزه را تولید می‌نماید:

25. intersubjective identities
26. prisoner's dilemma
27. corporate identity
28. social identity
29. the intrinsic, self-organizing qualities
30. body and experience of consciousness



(۱) امنیت فیزیکی، ازجمله تمایز آن از دیگر کنش‌گران.
(۲) «امنیت هستی‌شناختی»^{۳۱} یا پیش‌بینی پذیری در روابط با جهان، که تمایل برای داشتن هویت‌های اجتماعی پایدار را ایجاد می‌نماید.
(۳) به‌رسمیت شناخته شدن به‌عنوان یک کنشگر توسط دیگران،
(۴) توسعه، به‌معنای انگیزه انسان‌ها برای داشتن یک زندگی بهتر (Wendt, 1994: 385)
«هویت اجتماعی» مجموعه‌ای از معانی است که یک کنشگر با در نظر گرفتن دیدگاه دیگران به خودش نسبت می‌دهد. در مقابل کیفیت منحصر به فرد «هویت جمعی»، کنش‌گران معمولاً دارای «هویت اجتماعی» متعددی هستند که در میزان اهمیت متفاوت هستند (Wendt, 1994: 385)

منطق تناسب و ساختارهای هنجاری یا فکری از منظر سازه‌انگاران
سازه‌انگاران استدلال می‌کنند که منافع کنش‌گران در «تعامل شدید»^{۳۲} بازتعریف می‌شود و با «منطق تناسب»^{۳۳} به آن شکل داده می‌شود. براساس «منطق تناسب» کنش‌گران متناسب با هویت خود کنش‌های خود را انجام می‌دهند. دستیابی به اهداف، بیش تر از منافع با هویت‌ها و بیشتر از انتظارات عقلایی فردی با انتخاب قواعد مرتبط است (March & Olsen, 1999: 311)

در رابطه با ساختارهای هنجاری یا فکری باید گفت که تمامی نحله‌های سازه‌انگاران [...] بر اهمیت ساختارهای هنجاری یا فکری تأکید دارند زیرا چنین می‌پندارند که [این ساختارها] هویت‌های اجتماعی کنش‌گران سیاسی را شکل می‌دهند... [همچنین معتقدند که] هویت‌ها الهام‌بخش منافع و به نوبه خود کنش‌ها هستند» (Reus-Smit, 2005: 196-197)

به‌نظر «رویس-اسمیت»، ساختارهای هنجاری یا فکری از طریق سه ساز و کار به هویت‌های کنش‌گران شکل می‌دهند: «تخیل»^{۳۴} یعنی این که ساختارهای غیرمادی بر آن چه کنش‌گران قلمرو ممکنات تلقی می‌کنند تأثیر دارد. یعنی این که ساختارهای غیرمادی کنش‌گران را متوجه می‌کنند که چگونه باید عمل کنند، چه محدودیت‌هایی دارند و برای رسیدن به اهداف خود چه راهبردهایی را می‌توانند برگزینند. «ارتباطات»^{۳۵} یعنی کنش‌گران برای توجیه رفتارهای خود به هنجارهای

31. ontological security
32. intensive interaction
33. logic of appropriateness
34. Imagination
35. Communication

موجود متوسل می‌شوند و «محدودیت»^{۳۶} بدین معنا که حتی اگر ساختارهای فکری با چارچوب بخشیدن به تخیل و ارتباطات تأثیری بر رفتار کنشگر نداشته باشند محدودیت‌هایی بر رفتار کنشگر خواهند داشت (مشیرزاده، ۱۳۸۸، ص. ۳۲۹).

هنجارهای تنظیمی و تکوینی

در رابطه با هنجارها نیز لازم است که به «تفاوت بین هنجارهای تنظیمی و تکوینی» و «چرایی موافقت کنش‌گران با هنجارهای اجتماعی» اشاره نماییم:
هنجارهای تنظیمی^{۳۷} از طریق «تجویز یا منع رفتارهای خاص»^{۳۸} قوانین بنیادی برای «استانداردهای رفتاری» ارائه می‌دهند. بدون هنجارهای تکوینی^{۳۹} کنش‌ها «نامفهوم»^{۴۰} می‌گردند. سازه‌انگاران هنجارهای تکوینی را به «قوانین بازی» تشبیه می‌نمایند که بدون آن‌ها کنش‌ها نامفهوم خواهند شد. به‌عنوان مثال در بازی شطرنج حرکت مهره «فیل» ضربدری خواهد بود و چنان‌چه کنشگری فیل را نظیر حرکت مهره «اسب» جابه‌جا نماید این حرکت برای کنشگر مقابل نامفهوم خواهد بود. هنجارهای تکوینی کنشگر را قادر به انجام بازی می‌سازد و دانش مورد نیاز جهت پاسخ به حرکات سایر کنشگران را در اختیار کنشگران قرار می‌دهد (Griffiths & O'Callaghan, 2002: 51).

در رابطه با «چرایی موافقت کنشگران با هنجارها»، «چکل» استدلال می‌کند که یکی از اختلافات عمده بین خردگرایان و سازه‌انگاران از «ابزارهای آن‌ها برای تبیین پذیرش»^{۴۱} نشأت می‌گیرد. برای خردگرایان، مکانیسم‌های پذیرش نظیر «اجبار»، «محاسبات هزینه-فایده» و «دلایل مادی» فردگرایانه هستند در حالی که سازه‌انگاران به نقش یادگیری اجتماعی، اجتماعی سازی و هنجارهای اجتماعی اولویت می‌دهند (Checkel, 2001: 553).

دولت‌ها از طریق هنجارها که دربرگیرنده «معیارهای رفتار شایسته»^{۴۲} است هدایت می‌شوند. دولت‌ها نه به‌دلیل حداکثرسازی سودمندی همان‌گونه که توسط رویکردهای گزینش عقلانی در نظر گرفته شده، بلکه به این دلیل که این عمل را مطابق «منطق تناسب» به‌عنوان یک عمل مناسب و خوب درک می‌نمایند خود را با

36. Constraint
37. Regulatory Norms
38. prescribing or proscribing certain behaviours
39. Constitutive Norms
40. unintelligible
41. their tools of explaining compliance
42. standards of appropriate behavior

هنجارها وفق می‌دهند. «رویکرد سودمندگرایانه»^{۴۳} موجود در گزینش عقلانی، تماماً «کارگزار محور»^{۴۴} می‌باشد. منطق تناسب موجود در سازه‌انگاری دارای اجزاء مبتنی بر ساختار اجتماعی و همچنین توجه به منافع و دست‌آوردهای خود می‌باشد (Finnemore & Sikkink, 1998: 912-913).

نحوه شکل‌گیری منافع ملی از منظر سازه‌انگاری

«ونت» معتقد است که «مردم، نظیر دیگر کنشگران، براساس معنایی که اهداف^{۴۵} برای آن‌ها دارند، در راستای رسیدن به اهداف عمل می‌کنند» (Wendt, 1992: 396-397). به عبارت دقیق‌تر و باتوجه به مباحث صورت گرفته باید گفت که از منظر سازه‌انگاران، ساختارهای هنجاری یا فکری به «هویت جمعی» و «هویت اجتماعی» کنش‌گران شکل می‌دهد. «هویت جمعی» و «هویت اجتماعی» به منافع ملی کنش‌گران شکل می‌دهد و دنبال نمودن اهداف توسط دولت‌ها متأثر از همین «هویت جمعی» و «هویت اجتماعی» می‌باشد. در نهایت دولت‌ها براساس «منافع ملی» و «دست‌یابی به اهداف» کنش‌های خود را انجام می‌دهند.

ساختارهای هنجاری یا فکری شکل دهنده به «هویت جمعی» و «هویت اجتماعی» جمهوری اسلامی ایران پیش از ورود به بحث بررسی منافع ملی جمهوری اسلامی، لازم است که به بررسی ساختارهای هنجاری یا فکری شکل دهنده به «هویت جمعی» و «هویت اجتماعی» جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود.

بنابراین باید گفت که:

الف) هنجارهای تنظیمی و تکوینی نشأت گرفته از فرهنگ شیعی اثنی عشری

ب) «ایستار»^{۴۶} ها [یا نگرش‌های] موجود در فرهنگ سیاسی ایران

ج) تأثیرات ذهنی نشأت گرفته از ژئوپلیتیک ایران

مهم‌ترین منابع ساختارهای هنجاری یا فکری جمهوری اسلامی ایران هستند که به «هویت جمعی» و «هویت اجتماعی» جمهوری اسلامی شکل می‌دهند.

الف) هنجارهای تنظیمی و تکوینی نشأت گرفته از فرهنگ شیعی اثنی عشری

با سیری در آیات قرآن مجید به عنوان کتاب مقدس مسلمانان از جمله شیعیان اثنی عشری می‌توان هنجارهای تنظیمی و تکوینی را استخراج نمود. از مهم‌ترین «هنجارهای تکوینی» می‌توان به «آیه ۶۰ سوره انفال»، «آیه ۱۹۴ سوره بقره» و «آیه

43. utilitarian approach

44. agent-driven

45. objects

46. attitudes

۱۴۱ سوره نساء» و از مهم‌ترین «هنجارهای تنظیمی» می‌توان به «آیه ۷۵ سوره نساء»، «آیه ۱۹۳ سوره بقره»، «آیه ۳۹ سوره حج» و «آیه ۳۲ سوره مائده» اشاره نمود که از منابع قوام‌بخش به هویت جمهوری اسلامی ایران می‌باشند. «وشما برای مبارزه با آن‌ها [کافران] تا آن‌جا که می‌توانید خود را محیا کنید و از نیرو و اسبان سواری برای تهدید دشمنان خدا و دشمنان خودتان و [نیز تهدید] قوم دیگری که آن‌ها را نمی‌شناسید و خدا می‌شناسدشان فراهم سازید» (آیه ۶۰ سوره انفال).

«و خدا برای کافران راه تسلط بر مومنین قرار نخواهد داد» (آیه ۱۴۱ سوره نساء).

«پس کسی که به شما تجاوز کند به او برابر آن‌چه به شما تجاوز کرده تجاوز کنید» (آیه ۱۹۴ سوره بقره).

«هرکس نفسی را بدون حق قصاص و یا بی‌آن‌که فساد در روی زمین انجام دهد، به قتل رساند، مانند آن است که همه مردم را کشته است و هرکس نفسی را حیات ببخشد مانند آن است که همه مردم را حیات بخشیده است» (آیه ۳۲ سوره مائده). «آن‌ها را بکشید تا فتنه برچیده شود و فقط دین خدا باشد و اگر از فتنه دست کشیدند؛ پس ستم جز بر ستمکاران روا نیست» (آیه ۱۹۳ سوره بقره).

«شما چرا در راه خدا جهاد نمی‌کنید؟ و حال آن‌که مردان و زنان و کودکان ناتوانی هستند که می‌گویند پروردگارا! ما را از این شهری که مردمش ستمکارند بیرون آور و از جانب خودت برای ما سرپرست و یآوری قرار بده» (آیه ۷۵ سوره نساء).

«به کسانی که مظلومانه مورد تهاجم قرار می‌گیرند، اجازه دفاع داده شده و خداوند بر یاری آنان تواناست» (آیه ۳۹ سوره حج).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! یهود و نصاری را ولی [و دوست و تکیه گاه خود] انتخاب نکنید! آن‌ها اولیای یکدیگرند و کسانی که از شما با آنان دوستی کنند، از آن‌ها هستند [و] خداوند، جمعیت ستمکار را هدایت نمی‌کند» (آیه ۵۱ سوره مبارکه مائده).

«ای کسانی که ایمان آورده اید، [دوست و] محرم اسراری از غیر خود انتخاب نکنید! آن‌ها از هر گونه شر و فساد دربار شما کوتاهی نمی‌کنند. آن‌ها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. [نشانه‌های] دشمنی از دهان [و کلام] شان آشکار شده و آن چه در دل هایشان پنهان می‌دارند، از آن مهم‌تر است. ما آیات [و راه‌های] پیش‌گیری از شر آن‌ها را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید!» (آیه ۱۱۸ سوره مبارکه آل عمران).

در رابطه با توضیح این موضوع که چرا ما این آیات را به عنوان هنجارهای تکوینی

یا تنظیمی در نظر می‌گیریم باید به تعریف این هنجارها که پیشتر ذکر گردید مراجعه نماییم. هنجارهای تنظیمی از طریق «تجویز یا منع رفتارهای خاص» قوانین بنیادی برای «استانداردهای رفتاری» ارائه می‌دهند، در حالی‌که بدون هنجارهای تکوینی کنش‌ها «نامفهوم» می‌گردند.

مطابق تعریف فوق، آیه ۶۰ سوره انفال که اشاره به «بالا بردن توانمندی‌های مادی» دارد نوعی هنجار تکوینی است. چرا که بدون توجه به این اصل مهم، هر کنشی از طرف «کنشگر (در این جا جامعه مومنین)» برای دیگر کنشگران (در این جا گروه دشمنان خدا و قوم دیگری که خداوند آن‌ها را می‌شناسد) نامفهوم خواهد بود. بدین معنا که گروه دشمنان خدا و قوم دیگر به انجام هرگونه کنشی از سوی جامعه مومنین، چنانچه فاقد توانمندی مادی باشند، تنها از طریق «حذف فیزیکی» واکنش نشان خواهند داد و چرایی انجام کنش از سوی «گروه فاقد توانمندی مادی» برای آنان نامفهوم خواهد بود، در حالی‌که چنانچه جامعه مومنین دارای توانمندی مادی باشد، نه تنها هرگونه کنش آنان برای گروه دشمنان خدا و قوم دیگر قابل فهم خواهد بود، بلکه با طیف وسیعی از گزینه‌ها، از جمله مذاکره، صلح، عقب‌نشینی، جنگ و ... به کنش آنان واکنش نشان خواهند داد.

از همین منظر آیه ۱۹۴ سوره بقره نیز هنجاری تکوینی است، چرا که اگر کنشگری جامعه مومنین را مورد تعدی قرار دهد و آنان «مقابله به مثل» نمایند، این عدم «مقابله به مثل» برای کنشگر متهاجم کنشی نامفهوم و بی‌معنا خواهد بود.

آیه ۱۴۱ سوره نساء، «و خدا برای کافران راه تسلط بر مومنین قرار نخواهد داد» را نیز باعنایت به استدالات فوق می‌توان در زمره هنجارهای تکوینی دانست.

در دگرسو، «آیه ۷۵ سوره نساء»، «آیه ۱۹۳ سوره بقره»، «آیه ۳۹ سوره حج»، «آیه ۳۲ سوره مائده»، «آیه ۵۱ سوره مبارکه مائده» و «آیه ۱۱۸ سوره مبارکه آل عمران» بدین دلیل در زمره هنجارهای تنظیمی قرار دارند که رفتاری خاص را «منع یا تجویز» می‌نمایند که عدم پیروی از آنان با مجازات همراه است. به اصطلاح دینی، جزو واجبات و منکرات قرار دارند و مشمول دسته‌بندی «حلال و حرام» می‌گردند که عدم پیروی از آنان «جهنم» را برای کنشگر (در این جا جامعه مومنین) رقم می‌زند. این هنجارها به روشنی در مفاد مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی متجلی گردیده‌اند. اصل یکصد و پنجاه و یکم قانون اساسی اشعار می‌دارد: «به حکم آیه کریمه «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدوا... و عدوكم و آخرین من دونهم لا تعلمونهم ا... یعلمهم» دولت موظف است برای همه افراد کشور برنامه و امکانات آموزش نظامی را بر طبق موازین اسلامی فراهم نماید،

به‌طوری که همه افراد هم‌واره توانایی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند...».

در اصل یکصد و پنجاه و دوم آمده است: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است».

اصل یکصد و پنجاه و سوم قانون اساسی نیز بر «قاعده نفی سیل (آیه ۱۴۱ سوره نساء)» دلالت دارد. به موجب این اصل «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است».

آیه ۷۵ سوره نساء نیز به روشنی در اصل یکصد و پنجاه و چهارم قانون اساسی متجلی گردیده است. «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند».

ب) «ایستار»ها [یا نگرش‌های] موجود در فرهنگ سیاسی ایران

اصطلاح «فرهنگ سیاسی» را اولین بار «گابریل آلموند» در مقاله «نظام‌های سیاسی مقایسه‌ای» به کار برد. «هر نظام سیاسی در الگوی خاصی از جهت‌گیری به کنش‌های سیاسی جای می‌گیرد. من، [به کارگیری اصطلاح] «فرهنگ سیاسی» را برای اشاره به این [موضوع] مفید می‌دانم» (Almound, 1956: 396).

یکی از محققان معتقد است که فرهنگ سیاسی را می‌توان نتیجه تعامل میان چهار عامل «فرهنگ توده»، «فرهنگ نخبگان»، «تجربه سیاسی-تاریخی یک ملت» و «ساختار سیاسی حاکم» دانست که عواملی نظیر برداشت نخبگان و توده‌ها از واقعیت‌های سیاسی، نوع رفتار رهبران کاریزماتیک، شیوه عملکرد نهادها و عقاید پدیدآمده توسط رهبران سیاسی و نخبگان، میزان تجدد و توسعه صنعتی جوامع و نحوه عملکرد وسایل ارتباط جمعی نقشی مهم را در شکل‌گیری آن ایفا می‌نمایند (بدیع، ۱۳۷۶، صص. ۴۸-۳۹).

بنابراین، اگر بخواهیم مهم‌ترین ایستارهای فرهنگ سیاسی مردم ایران به عنوان یکی دیگر از منابع ساختارهای هنجاری یا فکری جمهوری اسلامی ایران را معرفی نماییم، باید گفت که «اعتقادات مذهبی (بالأخص اسلام و مذهب تشیع)»، «ساختار



سیاسی امامت محور»، «آموزه‌های امام خمینی (ره) و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در رابطه با انقلاب اسلامی»، «فرهنگ غنی اسلامی- ایرانی»، «اسطوره‌های اسلامی- ایرانی»، «خاطرات تاریخی از جمله عقب نگه داشتگی تعمدی ایران توسط رجال غرب زده»، «بدبینی مردم و نخبگان به استعمار»، «حق جویی و حمایت از مظلومان» و «نحوه عملکرد نهادهای انقلابی نظیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» مهم‌ترین ایستارهای موجود در زمینه فرهنگ سیاسی ایرانیان هستند.

(ج) تأثیرات ذهنی نشأت گرفته از ژئوپلیتیک ایران

ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است:

اولاً) این کشور در محلی واقع شده که ۳ قاره آسیا، اروپا و آفریقا را به هم وصل می‌کند و از دیر باز محل ارتباط شرق و غرب بوده است.

ثانیاً) ایران در محل تلاقی محور عمودی شمال جنوب منابع انرژی و محور افقی شرق- غرب مصرف انرژی است.

ثالثاً) ایران مانند پل کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را که محصور در خشکی هستند به خلیج فارس مرتبط می‌سازد.

رابعاً) موقعیت بحری ایران در دسترسی به خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر نیز بسیار حائز اهمیت است. ایران تنگه هرمز را در کنترل خود دارد. (دهقانی فیروزآبادی و نوری، ۱۳۹۱، ص. ۱۶۰)

بدیهی است که این موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک تأثیرات ذهنی مشخصی را بر مردم و نخبگان ایرانی ایجاد می‌نماید که اثرات آن در قالب ساختارهای هنجاری یا فکری به «هویت جمعی» و «هویت اجتماعی» جمهوری اسلامی ایران شکل می‌دهد.

بدین‌سان ساختارهای هنجاری یا فکری جمهوری اسلامی که از سه عنصر:

الف) هنجارهای تنظیمی و تکوینی نشأت گرفته از فرهنگ شیعی اثنی عشری

ب) «ایستار»های موجود در فرهنگ سیاسی ایران

ج) تأثیرات ذهنی نشأت گرفته از ژئوپلیتیک ایران تشکیل شده است، به «هویت جمعی» و «هویت اجتماعی» جمهوری اسلامی ایران شکل می‌دهند.

لازم به ذکر است که ساختارهای هنجاری یا فکری از طریق سه ساز و کار به هویت جمهوری اسلامی ایران شکل می‌دهند:

۱- تخیل: یعنی ساختارهای غیرمادی فوق، جمهوری اسلامی ایران را متوجه می‌سازند که چگونه باید عمل کنند، چه محدودیت‌هایی دارد و برای رسیدن به اهداف خود چه راهبردهایی را می‌تواند برگزیند؟

جمهوری اسلامی می‌داند که:

الف- تنها کشور با حکومت مبتنی بر «ولایت مطلقه فقیه» در جهان است و نمی‌تواند روی کمک هیچ کشور دیگری حساب نماید.

ب- می‌باید کنش‌های خود را مبتنی بر «صبر استراتژیک» (و پرهیز از عجله) که نمادی از غربت و حلم تاریخی شیعه می‌باشد، نماید.

با توجه به دو نکته فوق، جمهوری اسلامی برای رسیدن به اهداف خود از راهبردهای خاصی استفاده می‌نماید. مطابق نقطه‌نظر یکی از محققان مطرح «موسسه سیاست خاور نزدیک واشنگتن»^{۴۷} این راهبردها حاوی موارد ذیل می‌باشند: «a) استفاده از شیوه‌های «غیرمستقیم (جنگ نیابتی)»، «[دارای] ابهام (دارای قابلیت انکار و [مبتنی بر] کنار ایستادن [ظاهری])» و «[توأم با] صبر استراتژیک»^{۴۸} به‌منظور مدیریت خطر.

تهران از مواجهه مستقیم^{۴۹} با دشمنان اجتناب می‌نماید و به‌جای آن از طریق ابزارهای غیرمستقیم (نظیر جنگ نیابتی) یا شیوه‌های غیرمتعارف با دشمنان مقابله می‌نماید، گاهی اوقات دورتر از زمان و مکان وقوع درگیری. ایران این‌کار را حداقل در قسمتی به‌خاطر مدیریت خطر و در نتیجه کاهش پتانسیل تشدید^{۵۰} انجام می‌دهد. ایران به‌دنبال دستیابی به اهداف و غلبه بر دشمنان خود از طریق پیروزی‌های گام‌به‌گام و کوچک^{۵۱} به‌جای پیشرفت‌های سریع و پیروزی‌های قاطع می‌باشد.

b) [استفاده از اصول] مقابله به مثل، تناسب و استفاده تنظیم شده از خشونت^{۵۲}.

ایران غالباً یک رویکرد تلافی (این در به آن در)^{۵۳} را در رابطه با کشورهای دیگر اتخاذ می‌نماید، پاسخ خود را باتوجه به نوع کنش‌های دشمنان در سطحی گسترده و متناسب با چالش ادراک شده ارائه می‌دهد. این اصل پاسخ ایران به تهدیدات، فشارها و استفاده از زور را هدایت می‌نماید.

c) تاکید بر ابعاد اخلاقی، معنوی و روانی کشورداری و استراتژی.

جمهوری اسلامی بر اولویت ابعاد اخلاقی، معنوی و روانی جنگ نسبت به ابعاد فیزیکی و فناوری آن تأکید می‌نماید.

d) انعطاف‌پذیری تاکتیکی.

47. The Washington Institute for Near East Policy

48. the use of indirection (proxies), ambiguity (deniability and standoff), and strategic patience

49. head-on confrontations

50. to manage risk and thereby reduce the potential for escalation

51. incremental steps and small victories

52. reciprocity, proportionality, and the calibrated use of violence

53. a tit-for-tat approach

تهران گاهی اوقات به سرعت در مقابل فشارها یا تهدیدات می‌ایستد و زمانی که محکم به چالش کشیده شده است به آن پشت نموده و به دنبال دیگر نقاط فشار یا آسیب‌پذیری‌های دشمن برای بهره‌برداری می‌باشد. (e) تلاش برای عدم انباشت در ائتلاف دشمنان از طریق ایجاد شکاف بین دشمنان»^{۵۴} (Eisenstadt, 2015: 15).

۲- ارتباطات: جمهوری اسلامی برای توجیه رفتارهای خود به هنجارهایی نظیر «حمایت از حقوق مظلومان» (اگرچه یک هنجار جهانی نیست و برای همگان قابل فهم نیست) متوسل می‌شود. ۳- محدودیت: ساختارهای فکری، محدودیت‌هایی (نظیر برقراری ارتباط مستقیم یا غیر مستقیم با رژیم صهیونیستی) بر رفتار جمهوری اسلامی دارند.

بررسی منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

«هویت جمعی» و «هویت اجتماعی» جمهوری اسلامی ایران که به واسطه ساختارهای هنجاری یا فکری قوام یافته‌اند، منافع خاصی را نیز برای جمهوری اسلامی رقم می‌زنند.

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره گردید، «ونت» بر این باور است که «هویت جمعی» دولت‌ها چهار منفعت یا انگیزه شامل «امنیت فیزیکی»، «امنیت هستی‌شناختی»، «توسعه» و «به رسمیت شناخته شدن به عنوان یک کنشگر توسط دیگران» تولید می‌نماید (Wendt, 1994: 385).

«هویت اجتماعی» مجموعه‌ای از معانی است که یک کنشگر با در نظر گرفتن دیدگاه دیگران به خودش نسبت می‌دهد. در مقابل کیفیت منحصر به فرد «هویت جمعی»، کنشگران معمولاً دارای «هویت اجتماعی» متعددی هستند که در میزان اهمیت متفاوت هستند (Wendt, 1994: 385).

بنابراین می‌توان گفت که «منافع ملی» جمهوری اسلامی ایران دارای هشت رکن اصلی می‌باشد که چهار مورد از «هویت جمعی» جمهوری اسلامی ایران نشأت گرفته‌اند و چهار مورد آن حاصل «هویت اجتماعی» جمهوری اسلامی ایران می‌باشند: (الف) امنیت فیزیکی یا حفظ بقای نظام (حفظ نظام از اوجب واجبات است)

(ب) رفع احتیاجات و توسعه کشور (تأمین نیازهای داخلی ام‌القراء)

(ج) امنیت هستی‌شناختی

(د) به رسمیت شناخته شدن به عنوان یک کنشگر مسلمان-عدالت خواه-خواهان تغییر

54. efforts to disaggregate hostile coalitions by driving wedges between adversaries

وضع موجود که از «هویت جمعی» جمهوری اسلامی ایران نشأت گرفته‌اند.

(ه) حمایت از مستضعفین در برابر مستکبرین بالأخص دفاع از حقوق مسلمانان در اقصی نقاط عالم.

(و) دعوت (غیرمسلمین به اسلام)،

(ز) دگرگون سازی و پی ریزی مجدد نظم منطقه‌ای و حتی بین‌المللی مبتنی بر عدالت، و

(ح) کاهش و کم رنگ ساختن نفوذ و دخالت بازیگران فرامنطقه‌ای (نظیر بلوک غرب به رهبری ایالات متحده) در منطقه غرب آسیا و جهان اسلام که از «هویت اجتماعی» جمهوری اسلامی ایران نشأت گرفته‌اند.

شکل شماره یک، نحوه شکل‌گیری سیاست‌ها و کنش‌های جمهوری اسلامی ایران را به تصویر می‌کشد.

بررسی سه سیاست و کنش جمهوری اسلامی ایران نشأت گرفته از منافع ملی

(الف) ارتقای توانمندی‌های نظامی و مشخصاً پیگیری برنامه موشکی

توانمندی‌های نظامی جمهوری اسلامی را می‌توان برحسب استراتژی هفت ستونی جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار داد. جمهوری اسلامی استراتژی هفت ستونی خود را بدین شرح تدوین نموده است:

ستون اول) پدافند هوایی ثابت و متحرک با تأکید ویژه بر استفاده تلفیقی از رادارهای متنوع در فازهای مختلف (S, HF, VHF, UHF, آرایه فازی و ...)

ستون دوم) توپ خانه و موشک‌های بالستیک ثابت و متحرک

ستون سوم) استفاده هوشمندانه و حداقلی از توان زرهی ضمن استفاده حداکثری از پهلپاها

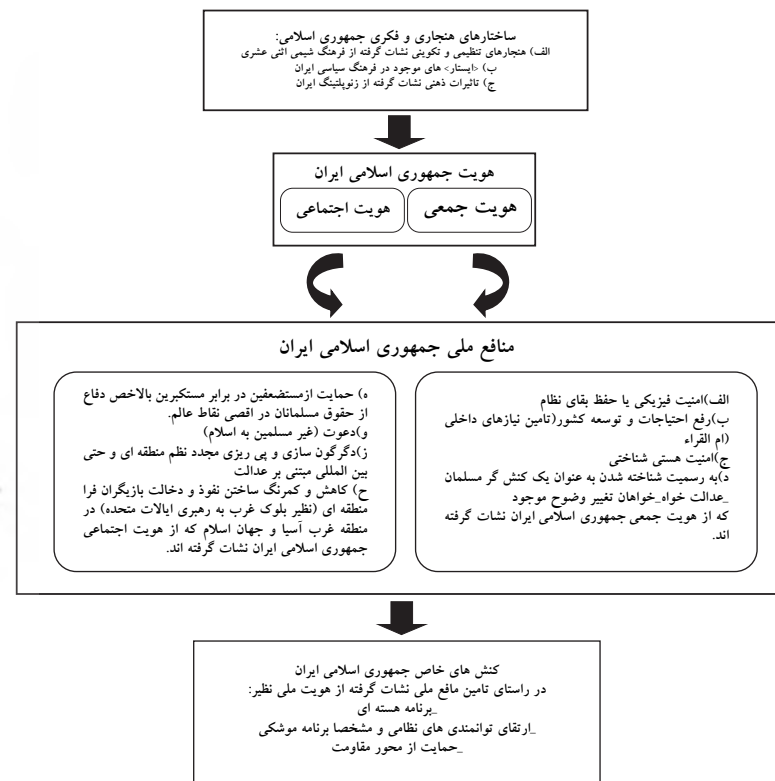
ستون چهارم) استفاده هوشمندانه و حداقلی از توان هوایی ضمن استفاده حداکثری از پهلپاها

ستون پنجم) جنگ الکترونیک با تأکید بر استفاده هوشمندانه از هر سه بخش اقدامات پشتیبانی الکترونیکی [ESM]، اقدامات ضد الکترونیکی [ECM] و اقدامات ضد ضد الکترونیکی [ECCM] ضمن تأکید ویژه بر اختلال در سامانه موقعیت یاب جهانی (GPS) و ماهواره‌ها در صورت لزوم.

ستون ششم) مقابله با جنگ اطلاعاتی

ستون هفتم) استراتژی مجزای شش ستونی در دریا شامل «قایق‌های جنگی تندرو مجهز به راکت»، «زیردریایی‌های مجهز به اژدر و مین دریایی»، «موشک‌های

بالستیک و کروز و راکت‌های ضدکشتی»، «مین‌های دریایی مختلف»، «هواپیماها و پهپادهای مجهز به موشک‌های ضدکشتی» و «تجهیزات جنگی متعارف نظیر ناو جنگی و هاورکرافت». (رضایی و تقوی نژاد، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۵)



مطابق برآورد منابع معتبر غربی، جمهوری اسلامی ایران دارای توانمندی نظامی بالایی در منطقه غرب آسیا می‌باشد. در رابطه با قدرت نظامی جمهوری اسلامی به گزارش برآورد استراتژیک اندیشکده بسیار معتبر و مرجع «موسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی (IISS)»^۱ در سال ۲۰۲۰ استناد می‌گردد. اگرچه در این گزارش به شاخصه‌های مختلف قدرت نظامی هر کشور اشاره گردیده، لکن تنها به ذکر کمیت نیروهای مسلح اعم از نیروهای فعال، وظیفه، ذخیره و شبه نظامی^۲، تعداد تانک‌های اصلی میدان نبرد^۳، تعداد شناورها اعم از گشتی، رزمی و ...^۴ و نهایتاً تعداد جنگنده‌ها اعم از جنگنده‌های ره گیر، جنگنده‌های مخصوص نبرد هوایی، بمب‌افکن‌ها، جنگنده‌های ضربتی و ... اکتفا می‌گردد. در جدول شماره یک تنها به ذکر توانمندی شش قدرت نظامی در منطقه غرب آسیا شامل جمهوری اسلامی ایران، ترکیه، مصر، عراق، اسرائیل و عربستان سعودی اکتفا گردیده است و اشاره‌ای به باقی کشورها نشده است

1. International Institution for Strategic Studies
2. Active, Conscript, Reserve and Paramilitary
3. Main Battle Tank (MBT)
4. Patrol and Coastal Combatants

منطقه غرب آسیا شامل جمهوری اسلامی ایران، ترکیه، مصر، عراق، اسرائیل و عربستان سعودی اکتفا گردیده است و اشاره‌ای به باقی کشورها نشده است.

جدول شماره یک: برآورد استراتژیک «موسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی» در منطقه غرب آسیا در سال ۲۰۲۰

ردیف	نام کشور	تعداد نظامیان فعال (هزار نفر)	نیروهای وظیفه (هزار نفر)	تعداد نیروهای ذخیره (هزار نفر)	تعداد شبه نظامیان (تظهير نیروی انتظامی، گارد مرزی و ... (هزار نفر)	تعداد کل (شامل نیروی نظامیان فعال + نیروهای وظیفه)	تعداد تانک‌های اصلی میدان تیرد (MBT)	مجموع شناورها	تعداد جنگنده‌ها
۱	ایران	نیروی زمینی ارتش + سپاه (شامل نیروی زمینی و نیروی قدس) = ۱۳۰ + ۱۵۵	ارتش + سپاه = ۲۳۰ + ؟	۳۵۰	۴۰۰-۶۰۰ (تعداد نیروهای بسیج ۱۲/۶ میلیون نیرو که ۶۰۰ هزار نفر آن رزمی هستند)	۶۱۰	ارتش + سپاه = ۱۵۱۳ + ؟	ارتش + سپاه = ۱۸ + ۱۲۶	تعداد پرتابگرهای زمین به هوا (SAM): بیش از ۵۴۶ پرتابگر
		نیروی دریایی ارتش + سپاه = ۱۸ + ۳۰	ارتش + سپاه = ؟						
		نیروی هوایی ارتش (به همراه پدافند هوایی) + هوافضای سپاه = ۱۵ + ۵۳	ارتش + سپاه = ؟						
		تفنگداران دریایی ارتش + سپاه = ۲/۷ + ۵ (جزو نفرات نیروی دریایی محاسبه شده اند)	ارتش + سپاه = ؟						
۲	ترکیه	نیروی دریایی = ۴۵ (به همراه نیروهای وظیفه)	نیروی دریایی = ؟						
		نیروی هوایی = ۵۰	نیروی دریایی = ؟						
		تفنگداران دریایی = ۳ (جزو نفرات نیروی دریایی محاسبه شده اند)	تفنگداران دریایی = ؟						
۳	مصر	نیروی زمینی = ۱۲۰	نیروی دریایی = ؟						
		تعداد نظامیان فعال (هزار نفر)	نیروی دریایی = ؟						
		تعداد نظامیان فعال (هزار نفر)	نیروی دریایی = ؟						
۴	عراق	نیروی زمینی = ۱۸۰	نیروی دریایی = ؟						
		نیروی دریایی = ۳	نیروی دریایی = ؟						
		نیروی هوایی (به همراه پدافند هوایی) = ۱۰	نیروی دریایی = ؟						
۵	اسرائیل	نیروی زمینی = ۳۶	نیروی دریایی = ۷	نیروی هوایی = ؟	تفنگداران دریایی = ۳۰۰ (جزو نفرات نیروی دریایی محاسبه شده اند)	۱۰۰	نیروی دریایی = ۲/۵	نیروی دریایی = ؟	تعداد پرتابگرهای زمین به هوا (SAM): بیش از ۵۴۶ پرتابگر
		نیروی دریایی = ۷	نیروی دریایی = ۳۴	نیروی دریایی = ؟	تفنگداران دریایی = ۳۰۰ (جزو نفرات نیروی دریایی محاسبه شده اند)	۱۰۰	نیروی دریایی = ۲/۵	نیروی دریایی = ؟	تعداد پرتابگرهای زمین به هوا (SAM): بیش از ۵۴۶ پرتابگر
		نیروی دریایی = ۷	نیروی دریایی = ۳۴	نیروی دریایی = ؟	تفنگداران دریایی = ۳۰۰ (جزو نفرات نیروی دریایی محاسبه شده اند)	۱۰۰	نیروی دریایی = ۲/۵	نیروی دریایی = ؟	تعداد پرتابگرهای زمین به هوا (SAM): بیش از ۵۴۶ پرتابگر
۶	عربستان سعودی	نیروی زمینی = ۷۵ (تعداد ۱۰۰۰ هزار نفر از نیروهای گارد ملی از سربازان اجباری قیابیل هستند) نیروهای استراتژیک موشکی = ۲/۵	نیروی دریایی = ۱۳/۵	نیروی دریایی = ؟	نیروی دریایی = ؟	۱۰۰	نیروی دریایی = ۲/۵	نیروی دریایی = ؟	تعداد پرتابگرهای زمین به هوا (SAM): بیش از ۵۴۶ پرتابگر
		نیروی دریایی = ۱۳/۵	نیروی دریایی = ۱۳/۵	نیروی دریایی = ؟	نیروی دریایی = ؟	۱۰۰	نیروی دریایی = ۲/۵	نیروی دریایی = ؟	تعداد پرتابگرهای زمین به هوا (SAM): بیش از ۵۴۶ پرتابگر
		نیروی دریایی = ۱۳/۵	نیروی دریایی = ۱۳/۵	نیروی دریایی = ؟	نیروی دریایی = ؟	۱۰۰	نیروی دریایی = ۲/۵	نیروی دریایی = ؟	تعداد پرتابگرهای زمین به هوا (SAM): بیش از ۵۴۶ پرتابگر

۳	مصر	نیروی زمینی = ۱۲۰	نیروی دریایی = ؟						
		تعداد نظامیان فعال (هزار نفر)	نیروی دریایی = ؟						
		تعداد نظامیان فعال (هزار نفر)	نیروی دریایی = ؟						
۴	عراق	نیروی زمینی = ۱۸۰	نیروی دریایی = ؟						
		نیروی دریایی = ۳	نیروی دریایی = ؟						
		نیروی هوایی (به همراه پدافند هوایی) = ۱۰	نیروی دریایی = ؟						
۵	اسرائیل	نیروی زمینی = ۳۶	نیروی دریایی = ۷	نیروی هوایی = ؟	تفنگداران دریایی = ۳۰۰ (جزو نفرات نیروی دریایی محاسبه شده اند)	۱۰۰	نیروی دریایی = ۲/۵	نیروی دریایی = ؟	تعداد پرتابگرهای زمین به هوا (SAM): بیش از ۵۴۶ پرتابگر
		نیروی دریایی = ۷	نیروی دریایی = ۳۴	نیروی دریایی = ؟	تفنگداران دریایی = ۳۰۰ (جزو نفرات نیروی دریایی محاسبه شده اند)	۱۰۰	نیروی دریایی = ۲/۵	نیروی دریایی = ؟	تعداد پرتابگرهای زمین به هوا (SAM): بیش از ۵۴۶ پرتابگر
		نیروی دریایی = ۷	نیروی دریایی = ۳۴	نیروی دریایی = ؟	تفنگداران دریایی = ۳۰۰ (جزو نفرات نیروی دریایی محاسبه شده اند)	۱۰۰	نیروی دریایی = ۲/۵	نیروی دریایی = ؟	تعداد پرتابگرهای زمین به هوا (SAM): بیش از ۵۴۶ پرتابگر
۶	عربستان سعودی	نیروی زمینی = ۷۵ (تعداد ۱۰۰۰ هزار نفر از نیروهای گارد ملی از سربازان اجباری قیابیل هستند) نیروهای استراتژیک موشکی = ۲/۵	نیروی دریایی = ۱۳/۵	نیروی دریایی = ؟	نیروی دریایی = ؟	۱۰۰	نیروی دریایی = ۲/۵	نیروی دریایی = ؟	تعداد پرتابگرهای زمین به هوا (SAM): بیش از ۵۴۶ پرتابگر
		نیروی دریایی = ۱۳/۵	نیروی دریایی = ۱۳/۵	نیروی دریایی = ؟	نیروی دریایی = ؟	۱۰۰	نیروی دریایی = ۲/۵	نیروی دریایی = ؟	تعداد پرتابگرهای زمین به هوا (SAM): بیش از ۵۴۶ پرتابگر
		نیروی دریایی = ۱۳/۵	نیروی دریایی = ۱۳/۵	نیروی دریایی = ؟	نیروی دریایی = ؟	۱۰۰	نیروی دریایی = ۲/۵	نیروی دریایی = ؟	تعداد پرتابگرهای زمین به هوا (SAM): بیش از ۵۴۶ پرتابگر

فهم سه سیاست یا کنش جمهوری اسلامی ایران (برنامه‌های موشکی، هسته‌ای و منطقه‌ای) بر اساس هویت جمعی و اجتماعی

						نیروی هوایی (به همراه پدافند هوایی)=۳۶	نیروی هوایی=۰
						تفنگداران دریایی=۳ (جزو نفرات نیروی دریایی محاسبه شده اند)	تفنگداران دریایی=۰
						نیروی دریایی=۲/۵	نیروی دریایی=؟
						نیروی هوایی=۲	نیروی هوایی=؟
						تفنگداران دریایی=۰	تفنگداران دریایی=؟

لازم به ذکر است که توان موشکی جزئی جدایی‌ناپذیر از توانمندی نظامی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. «موسسه سیاست خاور نزدیک واشینگتن» توان موشکی جمهوری اسلامی ایران را مطابق جدول شماره دو معرفی می‌نماید:

جدول شماره دو: مشخصات موشک‌های جمهوری اسلامی ایران مطابق گزارش «موسسه واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک»

ردیف	نام موشک	برد (کیلومتر)	نوع موشک	توضیحات
۱	فجر-۳	۱۰۰۰	جانب	راکت مایه شمشاد
۲	زکریا	۳۰۰۰	جانب	راکت مایه شمشاد
۳	فجر-۱	۱۰۰۰	جانب	موشک مایه شمشاد با برد ۱۰۰۰ کیلومتر و برد ۱۰۰ کیلومتر
۴	فجر-۲	۱۰۰۰	جانب	موشک مایه شمشاد با برد ۱۰۰۰ کیلومتر و برد ۱۰۰ کیلومتر
۵	فجر-۳	۱۰۰۰	جانب	موشک مایه شمشاد با برد ۱۰۰۰ کیلومتر و برد ۱۰۰ کیلومتر
۶	فجر-۴	۱۰۰۰	جانب	موشک مایه شمشاد با برد ۱۰۰۰ کیلومتر و برد ۱۰۰ کیلومتر
۷	فجر-۵	۱۰۰۰	جانب	موشک مایه شمشاد با برد ۱۰۰۰ کیلومتر و برد ۱۰۰ کیلومتر
۸	فجر-۶	۱۰۰۰	جانب	موشک مایه شمشاد با برد ۱۰۰۰ کیلومتر و برد ۱۰۰ کیلومتر
۹	فجر-۷	۱۰۰۰	جانب	موشک مایه شمشاد با برد ۱۰۰۰ کیلومتر و برد ۱۰۰ کیلومتر
۱۰	فجر-۸	۱۰۰۰	جانب	موشک مایه شمشاد با برد ۱۰۰۰ کیلومتر و برد ۱۰۰ کیلومتر
۱۱	فجر-۹	۱۰۰۰	جانب	موشک مایه شمشاد با برد ۱۰۰۰ کیلومتر و برد ۱۰۰ کیلومتر
۱۲	فجر-۱۰	۱۰۰۰	جانب	موشک مایه شمشاد با برد ۱۰۰۰ کیلومتر و برد ۱۰۰ کیلومتر
۱۳	فجر-۱۱	۱۰۰۰	جانب	موشک مایه شمشاد با برد ۱۰۰۰ کیلومتر و برد ۱۰۰ کیلومتر
۱۴	فجر-۱۲	۱۰۰۰	جانب	موشک مایه شمشاد با برد ۱۰۰۰ کیلومتر و برد ۱۰۰ کیلومتر
۱۵	فجر-۱۳	۱۰۰۰	جانب	موشک مایه شمشاد با برد ۱۰۰۰ کیلومتر و برد ۱۰۰ کیلومتر
۱۶	فجر-۱۴	۱۰۰۰	جانب	موشک مایه شمشاد با برد ۱۰۰۰ کیلومتر و برد ۱۰۰ کیلومتر
۱۷	فجر-۱۵	۱۰۰۰	جانب	موشک مایه شمشاد با برد ۱۰۰۰ کیلومتر و برد ۱۰۰ کیلومتر

(Glasnost, 2014, p. 4)

پس از ذکر این توضیحات، اکنون لازم است که به این پرسش مهم پاسخ دهیم که ارتقای توانمندی نظامی جمهوری اسلامی ایران و مشخصاً برنامه موشکی در راستای تأمین کدام نوع از منافع ملی جمهوری اسلامی می‌باشد؟
در پاسخ باید به این نکته اشاره نمود که این کنش جمهوری اسلامی از «امنیت فیزیکی» به عنوان یکی از ارکان هشت گانه منافع ملی جمهوری اسلامی ایران نشأت می‌گیرد که خود «امنیت فیزیکی» نیز از منبعث از «هویت جمعی» جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

در این بخش لازم است که توضیحات بیشتری ارائه گردد تا سیر توالی شکل‌گیری کنش جمهوری اسلامی در پیگیری برنامه موشکی روشن گردد. پیشتر اشاره نمودیم که «هنجارهای تنظیمی و تکوینی نشأت گرفته از فرهنگ شیعی اثنی عشری»، «ایستارها [یا نگرش‌های] موجود در فرهنگ سیاسی ایران» و «تأثیرات ذهنی نشأت گرفته از ژئوپلیتیک ایران»، مهم‌ترین منابع ساختارهای هنجاری یا فکری جمهوری اسلامی ایران هستند که به «هویت جمعی» و «هویت اجتماعی» جمهوری اسلامی شکل می‌دهند.

بنابراین می‌توان گفت که «هنجارهای تنظیمی و تکوینی نشأت گرفته از فرهنگ شیعی اثنی عشری» از جمله آیه ۶۰ سوره انفال (وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ...)، «ایستارها [یا نگرش‌های] موجود در فرهنگ سیاسی ایران» از جمله سخن حضرت امام (ره) که حفظ نظام را از اوجب واجبات می‌دانند و هم چنین تجربه‌های تلخ تاریخی ناشی از شکست‌های نظامی در کنار تأثیرات ذهنی نشأت گرفته از ژئوپلیتیک خاص ایران به «هویت جمعی» و «هویت اجتماعی» جمهوری اسلامی ایران شکل می‌دهند و «هویت جمعی» جمهوری اسلامی نوع خاصی از منافع ملی تحت عنوان امنیت فیزیکی یا حفظ بقای نظام را ایجاد می‌نماید. بنابراین و به تعبیر دقیق‌تر، جمهوری اسلامی ایران به واسطه پیگیری سیاست و کنشی به نام «ارتقای توانمندی نظامی و برنامه موشکی» درصدد حصول «امنیت فیزیکی» به عنوان یکی از ارکان هشت گانه منافع ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

ب) پیگیری برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز

زمان آغاز برنامه هسته‌ای ایران را پیش از پیروزی انقلاب اسلامی اعلام می‌نمایند. در سال ۱۹۵۷ میلادی (۱۳۳۶) قراردادی بین ایران و ایالات متحده در راستای برخورداری ایران از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز منعقد می‌گردد و دو سال بعد، مرکز تحقیقات

هسته‌ای تهران^۱ در دانشگاه تهران ساخته می‌شود. البته ایران اجازه تولید سوخت مورد نیاز را نداشت و ایالات متحده سوخت این رآکتور را تأمین می‌نمود. جدا از مواردی نظیر

الف) انعقاد قرارداد ساخت رآکتور بوشهر با آلمانی‌ها که قرار بود تا سال ۱۹۸۱ میلادی تحویل داده شود

ب) خرید ده درصد سهام کشور سوئد در کنسرسیوم یورودیف که زیرمجموعه شرکت AREVA فرانسه و مالک یکی از بزرگ‌ترین نیروگاه‌های غنی‌سازی در اروپا بود

ج) خرید ۱۵ درصد سهام یک معدن اورانیوم در نامیبیا در آفریقا، د) امضای موافقت‌نامه با دانشگاه MIT ایالات متحده به منظور آموزش مهندسان هسته‌ای

یکی از نقاط عطف برنامه هسته‌ای ایران پیش از انقلاب، صدور مجوز لازم از سوی «جراالد فورد»، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده در سال ۱۹۷۶ مبنی بر فروش تجهیزات لازم برای استخراج پلوتونیوم به ایران بود.

در دولت جمهوری اسلامی ایران نیز این سیاست پیگیری گردید. با این تفاوت که جمهوری اسلامی ایران، این‌بار رأساً نسبت به غنی‌سازی اورانیوم اقدام نمود. امری که خشم قدرت‌های غربی را برانگیخت.

استدلال جمهوری اسلامی ایران آن بود که

اولاً) از دانش بومی غنی‌سازی برخوردار است و می‌تواند سوخت مورد نیاز رآکتورهای خود را با هزینه بسیار کم تری تولید نماید.

ثانیاً) به منظور توسعه کشور نیاز مبرمی به منابع تجدیدپذیر تولید انرژی از جمله انرژی هسته‌ای دارد.

ثالثاً) ماهیت برنامه هسته‌ای ایران صرفاً صلح‌آمیز می‌باشد.

رابعاً) تجربه اتکا به طرف‌های غربی نشان داده که شرکت‌های غربی تحت تأثیر نگرش‌های سیاسی دولت‌های متبوع خود در بزنگاه‌ها از عمل به تعهدات خود سرباز می‌زنند، نظیر شرکت آلمانی سازنده رآکتور بوشهر که پس از انقلاب به تعهدات خود عمل ننمود. بنابراین از منظر مقامات جمهوری اسلامی ایران، پیگیری برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز اقدامی در راستای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

از این رو می‌توان گفت که «هنجارهای تنظیمی و تکوینی نشأت گرفته از فرهنگ شیعی اثنی‌عشری» ازجمله حدیث شریف نبوی (ص) مبنی بر این که «علم اگر در ثریا باشد مردانی از سرزمین فارس به آن دست خواهند یافت»، «ایستارهای» 1. Tehran Nuclear Research Center(TNRC)

نگرش‌های] موجود در فرهنگ سیاسی ایران» ازجمله تجربه تلخ تاریخی عمل نمودن شرکت‌های غربی به تعهدات خود در قبال جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر گرایش‌های سیاسی دولت‌های متبوع خود در مواقع ضروری، در کنار تأثیرات ذهنی نشأت گرفته از ژئوپلتیک خاص ایران که تولید انرژی‌های تجدیدپذیر به منظور حفظ ذخایر سوخت‌های فسیلی را لازم و ضروری می‌شمارد، به «هویت جمعی» و «هویت اجتماعی» جمهوری اسلامی ایران شکل می‌دهند و «هویت جمعی» جمهوری اسلامی نوع خاصی از منافع ملی تحت عنوان توسعه را ایجاد می‌نماید. بنابراین و به تعبیر دقیق‌تر، جمهوری اسلامی ایران به واسطه پیگیری سیاست و کنشی به نام «پیگیری برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای» درصدد حصول «توسعه» به عنوان یکی از ارکان هشت‌گانه منافع ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. ضمن آن که می‌توان از این نکته بسیار مهم نیز چشم‌پوشید که جمهوری اسلامی ایران به واسطه پیگیری سیاست و کنشی به نام «پیگیری برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای» به دنبال تأمین یکی دیگر از ارکان هشت‌گانه منافع ملی یعنی به‌رسمیت شناخته شدن به‌عنوان یک کنش‌گر مسلمان-عدالت‌خواه-خواهان تغییر وضع موجود بوده است. یعنی جمهوری اسلامی ایران به‌دنبال آن بود که علی‌رغم هزینه‌های سیاسی بالای «پیگیری برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای»، به‌عنوان یک کنش‌گر عدالت‌خواه و خواهان تغییر وضع موجود نیز به رسمیت شناخته شود. چرا که قدرت‌های جهانی که خود دارای پمپ هسته‌ای هستند و یکی از این قدرت‌ها به نام ایالات متحده سابقه استفاده از آن‌ها علیه غیرنظامیان در هیروشیما و ناکازاکی را نیز در کارنامه خود دارد، مانع از غنی‌سازی اورانیوم توسط کشورهای دیگر که اقدامی صلح‌آمیز می‌باشد، می‌گردند که اقدامی مغایر با عدالت می‌باشد. بنابراین جمهوری اسلامی هزینه‌های سیاسی بالای «پیگیری برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای» را تحمل نمود تا علاوه بر «توسعه» کشور به عنوان یکی از ارکان هشت‌گانه «منافع ملی»، خود را به عنوان کنش‌گری عدالت‌خواه و خواهان تغییر وضع موجود به جهانیان معرفی نماید.

ج) حمایت از محور مقاومت

لازم به ذکر است که منظور از محور مقاومت در این پژوهش، ائتلافی متشکل از جمهوری اسلامی ایران، جمهوری عربی سوریه، الحشد الشعبی عراق، انصارا... یمن و گروه‌های مختلف مقاومت در فلسطین (ازجمله حماس، جهاد اسلامی، جنبش صابرین و ...) می‌باشد (آدمی و رضایی، ۱۳۹۶، ص. ۸۳).

در اینجا می‌توان گفت که «هنجارهای تنظیمی و تکوینی نشأت گرفته از فرهنگ شیعی اثنی عشری» ازجمله حدیث شریف نبوی (ص) با این مضمون که «هر کس فریاد استغاثه هر مظلومی [اعم از مسلمان یا غیر مسلمان] را بشنود که مسلمین را به یاری می‌طلبد، اما فریاد او را اجابت نکند مسلمان نیست» در کنار «ایستارها[یا نگرش‌های] موجود در فرهنگ سیاسی ایران» ازجمله «حق جویی و حمایت از مظلومان» به «هویت جمعی» و «هویت اجتماعی» جمهوری اسلامی ایران شکل می‌دهند و «هویت اجتماعی» جمهوری اسلامی نوع خاصی از منافع ملی تحت عنوان «حمایت از مستضعفین در برابر مستکبرین بالأخص دفاع از حقوق مسلمانان در اقصی نقاط عالم»، «دگرگون سازی و پی ریزی مجدد نظم منطقه‌ای و حتی بین‌المللی مبتنی بر عدالت» و «کاهش و کم رنگ ساختن نفوذ و دخالت بازیگران فرامنطقه‌ای (نظیر بلوک غرب به رهبری ایالات متحده) در منطقه غرب آسیا و جهان اسلام» را ایجاد می‌نماید.

ضمناً لازم است به این نکته توجه نمود که جمهوری اسلامی ایران به واسطه پیگیری سیاست و کنشی به نام «حمایت از محور مقاومت» به دنبال تأمین یکی دیگر از ارکان هشت گانه منافع ملی یعنی امنیت فیزیکی یا حفظ بقای نظام بوده است. یعنی جمهوری اسلامی ایران به دنبال آن بوده است که هم بقای متحدان خود در مقابل دشمنان (ازجمله ایالات متحده، گروه‌های سلفی-تکفیری و ...) را حفظ نماید و هم در صورت حمله نظامی به خاک ایران توسط ایالات متحده بتواند جبهه درگیری را گسترش داده و از تمرکز و انباشت توان نظامی ایالات متحده بر خاک ایران بکاهد.

نتیجه‌گیری:

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که منافع ملی جمهوری اسلامی آن‌گونه که برخی از محققان و متأثر از رویکردهای اثبات‌گرایانه در نظر می‌گیرند امری فرا زمانی، ثابت و غیر قابل تغییر نمی‌باشد، بلکه از هویت جمهوری اسلامی نشأت می‌گیرد. به تعبیر دقیق‌تر، ساختارهای هنجاری یا فکری جمهوری اسلامی که از سه عنصر:

(الف) هنجارهای تنظیمی و تکوینی نشأت گرفته از فرهنگ شیعی اثنی عشری

(ب) «ایستار»های موجود در فرهنگ سیاسی ایران

(ج) تأثیرات ذهنی نشأت گرفته از ژئوپلیتیک ایران تشکیل شده است، به «هویت جمعی» و «هویت اجتماعی» جمهوری اسلامی ایران شکل می‌دهند. این «هویت جمعی» و «هویت اجتماعی» به «منافع ملی» جمهوری اسلامی ایران شکل می‌دهند

که دارای هشت رکن اصلی می‌باشد:

(الف) امنیت فیزیکی یا حفظ بقای نظام (حفظ نظام از اوجب واجبات است)،

(ب) رفع احتیاجات و توسعه کشور (تأمین نیازهای داخلی ام‌القراء)

(ج) امنیت هستی شناختی

(د) به‌رسمیت شناخته شدن به‌عنوان یک کنش گر مسلمان-عدالت خواه-خواهان تغییر وضع موجود که از «هویت جمعی» جمهوری اسلامی ایران نشأت گرفته‌اند.

(ه) حمایت از مستضعفین در برابر مستکبرین بالأخص دفاع از حقوق مسلمانان در اقصی نقاط عالم.

(و) دعوت (غیرمسلمین به اسلام)

(ز) دگرگون سازی و پی ریزی مجدد نظم منطقه‌ای و حتی بین‌المللی مبتنی بر عدالت

(ح) کاهش و کم رنگ ساختن نفوذ و دخالت بازیگران فرامنطقه‌ای (نظیر بلوک غرب به رهبری ایالات متحده) در منطقه غرب آسیا و جهان اسلام که از «هویت اجتماعی» جمهوری اسلامی ایران نشأت گرفته‌اند.

یافته‌های پژوهش حاضر هم چنین نشان از آن دارد که جمهوری اسلامی ایران به واسطه پیگیری سیاست و کنشی به نام «ارتقای توانمندی نظامی و برنامه موشکی» درصدد حصول «امنیت فیزیکی» به عنوان یکی از ارکان هشت گانه منافع ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که این نوع از منافع ملی از «هویت جمعی» جمهوری اسلامی ایران نشأت می‌گیرد.

جمهوری اسلامی ایران به واسطه پیگیری سیاست و کنشی به نام «پیگیری برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای» درصدد حصول «توسعه» از يك سو و «به‌رسمیت شناخته شدن به‌عنوان یک کنشگر عدالت خواه و خواهان تغییر وضع موجود» از دگر سو می‌باشد که این دو مورد جزئی از ارکان هشت گانه منافع ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشند. منفعتی ملی با عنوان «توسعه» از «هویت جمعی» جمهوری اسلامی ایران و منفعتی با عنوان «به‌رسمیت شناخته شدن به‌عنوان یک کنش گر عدالت خواه و خواهان تغییر وضع موجود» از هویت اجتماعی» جمهوری اسلامی ایران نشأت می‌گیرد.

جمهوری اسلامی ایران به واسطه پیگیری سیاست و کنشی با عنوان «حمایت از محور مقاومت» درصدد حصول بخشی از منافع ملی هشت رکنی نظیر «حمایت از مستضعفین در برابر مستکبرین بالأخص دفاع از حقوق مسلمانان در اقصی نقاط

عالم، «دگرگون سازی و پی ریزی مجدد نظم منطقه‌ای و حتی بین‌المللی مبتنی بر عدالت»، «کاهش و کم رنگ ساختن نفوذ و دخالت بازیگران فرامنطقه‌ای (نظیر بلوک غرب به رهبری ایالات متحده) در منطقه غرب آسیا و جهان اسلام» و «امنیت فیزیکی یا حفظ بقای نظام» می‌باشد

کتاب نامه:

- ۱- آدمی، علی و رضایی، نیما (۱۳۹۶). ماهیت و ابعاد رژیم ضمنی غیررسمی امنیت منطقه‌ای «جمهوری اسلامی» در منطقه غرب آسیا. پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره چهارم، صص. ۸۹-۶۱.
- ۲- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۵). اصول و مبانی روابط بین‌الملل ۲. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- ۳- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و نوری، وحید (۱۳۹۱). امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی دوران اصول گرایی. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، شماره مسلسل ۵۷، صص. ۱۸۰-۱۴۹.
- ۴- سایت مقام معظم رهبری (۱۳۹۶، خرداد ۲۲). بیانات در دیدار مسئولان نظام. بازبایی شده در ۹۶/۶/۲۱ از <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۶۸۲۴>
- ۵- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۴). مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی. چاپ چهارم، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
- ۶- فرانکل، جوزف (۱۳۸۶). روابط بین‌الملل در جهان متغیر. ترجمه عبدالرحمان عالم. چاپ هفتم. تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
- ۷- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. چاپ چهارم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- ۸- مورگنتا، هانس جواکیم (۱۳۸۴). سیاست میان ملت‌ها: تلاش در راه قدرت و صلح. ترجمه حمیرا مشیرزاده، چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- 9- Adler, E. (1997). Seizing the middle ground: Constructivism in world politics. European Journal of International Relations, Vol. 3, No. 3, pp. 319-363
- 10- Bloom, W. (1990). Personal Identity, National Identity and International Relations. Cambridge: Cambridge University Press

- 11- Bradley Phillips, A. (2007). Constructivism. In Martin Griffiths. International Relations Theory for the Twenty-First Century: An introduction. London & New York: Routledge.
- 12- Checkel, J. T. (2001). Why Comply? Social Learning and European Identity Change. International Organization, Vol. 55, No. 3, pp. 553-588
- 13- Checkel, J. T. (1998). The Constructivist Turn in International Relations Theory. World Politics, Vol. 50, No. 2, pp. 324-348
- 14- Eisenstadt, M. (2016). The Role of Missiles in Iran's Military Strategy. Retrieved from The Washington Institute for Near East Policy Website: <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/the-role-of-missiles-in-irans-military-strategy>
- 15- Eisenstadt, M. (2015). The Strategic Culture of the Islamic Republic of Iran: Religion, Expediency, and Soft Power in an Era of Disruptive Change. Retrieved from The Washington Institute for Near East Policy Website: https://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/pubs/MESM_7_Eisenstadt.pdf
- 16- Finnemore, M., & Sikkink, K. (1998). International Norm Dynamics and Political Change. International Organization, Vol. 52, No. 4, pp. 887-917
- 17- Glaserfeld, E. V. (2007). Aspects of constructivism: Vico, Berkeley, Piaget. In Ernest von Glaserfeld. Key works in radical constructivism. Rotterdam: Sense.
- 18- Griffiths, M., & O'Callaghan, T. (2002). International Relations: The key conceptions. London and New York: Routledge.
- 19- Guzzini, S. (2000). A Reconstruction of Constructivism in International Relations. European Journal of International Relations, Vol. 6, No. 2, pp. 147-182
- 20- Hopf, T. (1998). The Promise of Constructivism in International Relations Theory. International Security, Vol. 23, No. 1, pp. 171-200
- 21- March, J. G., & Olsen, J. P. (1999). The Institutional Dynamics of International Political Orders. In Peter J. Katzenstein, Robert O. Keohane and Stephen D. Krasner. Exploration and Contestation in the Study of World Politics. Cambridge: MIT Press.
- 22- Nugroho, G. (2008). Constructivism and International Relations Theories. Global & Strategis, Vol. II, No. 1, pp. 85-98
- 23- Pouliot, V. (2004). The essence of constructivism. Journal of International Relations and Development, Vol. 7, No. 3, pp. 319-336
- 24- Price, R., & Reus-Smit, C. (1998). Dangerous Liaisons? Critical International Theory and Constructivism. European Journal of International Relations, Vol. 4, No. 3, pp. 259-294
- 25- Reus-Smit, C. (2005). Constructivism. In Scott Burchill, Andrew Linklater, Richard Devetak, Jack Donnelly, Matthew Paterson, Christian Reus-Smit & Jacqui True. Theories of International Relations. Third Edition. Hampshire and New York: Palgrave Macmillan.
- 26- The International Institute for Strategic Studies (IISS) (2020). The Military Balance 2020: The Annual Assessment of Global Military Capabilities and Defence Economics. Retrieved from The International Institute for Strategic Studies (IISS) Website: <https://www.iiiss.org/publications/the-military-balance/military-balance-2020-book>
- 27- Weber, C. (2005). International Relations Theory: A critical introduction. Second Edition. London & New York: Routledge.
- 28- Wendt, A. (1995). Constructing International Politics. International Security, Vol. 20, No. 1, pp. 71-81
- 29- Wendt, A. (1994). Collective Identity Formation and the International State. American Political Science Review, Vol. 88, No. 2, pp. 384-396
- 30- Wendt, A. (1992). Anarchy is what States Make of it: The Social Construction of Power Politics. International Organization, Vol. 46, No. 2, pp. 391-425
- 31- Zehfuss, M. (2002). Constructivism in International Relations: The Politics of Reality. Cambridge: Cambridge University Press.

